

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه تربیتی

جلد اول

کلیات

علیرضا اعرافی

تحقیق و تحریر

سید نقی موسوی، صمد سعیدی و علی حسین پناه



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بهار ۱۳۸۷

اعرافى، عليرضا، ۱۳۳۸ -

فقه تربيتى / مجموعه درسهائى عليرضا اعرافى ؛ تحقيق و نگارش على حسين پناه، صمد سعيدى، سيدنقى موسوى. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.

ج: نمودار. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۳۲. علوم تربيتى؛ ۲۱)

بها: ۱۳۰۰۰ ريال: ISBN: 964-7788-83-5

فهرست نويسى بر اساس اطلاعات فييا.

کتابنامه: ص. ۱۱۷ - ۱۲۰، همچنين به صورت زير نويست.

نمايه.

مندرجات: ج. ۱: کليات

۱. آموزش و پرورش (فقه). ۲. تربيت خانوادگى (اسلام). ۳. اخلاق اسلامى. الف. حسين پناه، على،

۱۳۵۶ - ب. سعيدى، صمد، ۱۳۵۵ - ج. موسوى، نقى، ۱۳۵۷ - د. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ه. عنوان.

۲۹۷/۳۷۹

۶ الف ۳۷ ت / ۱۹۸ / ۶ BP

۱۱۹۹۲۰۵

کتابخانه ملي ايران



فقه تربيتى، جلد اول: کليات

درسهائى استاد عليرضا اعرافى

تحقيق و تحرير: سيدنقى موسوى، صمد سعيدى و على حسين پناه

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

حروفچينى و صفحه آرايى: اداره نشر و ويرايش پژوهشگاه

ويراستار: محمود سورى

چاپ اول: بهار ۱۳۸۷

تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

ليتوگرافى: سعيدى

چاپ: قم - مؤسسه چاپ زيتون

قيمت: ۱۳۰۰ تومان

کليه حقوق برائى پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: بلوار محمدامين (م)، ايستاي بلوار جمهورى اسلامى، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه □ تلفن: ۲۱۱۱۱ (انتشارات ۲۹۰۶۰۳۰)
نماير: ۲۱۱۱۲۲۲ و ۲۹۰۹۳۱۰، ص. ۵۱-۲۷۱۸۵۲ تهران: غ انقلاب، بين وصال و قدس، نبش کوى لسکو □ تلفن: ۶۶۴۶۰۹۲۵۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است. پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

در پایان پژوهشگاه لازم می داند از تلاش های استاد محترم حجة الاسلام و المسلمین آقای علیرضا اعرافی و همکاران ایشان حجج اسلام آقایان سیدنقی موسوی، صمد سعیدی و علی حسین پناه که تحقیق و نگارش اثر را به انجام رساندند و آقایان حجج اسلام علی بناری، محمد داودی و محمود نودری که ارزیابی اثر را به عهده داشتند، سپاسگزاری نماید.

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱
----------	---

فصل اول: فقه

۱. تعریف فقه	۷
۲. موضوع فقه	۸
۲-۱. رفتار	۹
۲-۲. اختیار	۱۰
۲-۳. مکلف	۱۳
۳. محمول فقه	۱۳
۳-۱. احکام تکلیفی	۱۴
۳-۲. احکام وضعی	۱۵
نتیجه نهانی	۱۷
چکیده فصل اول	۱۸

فصل دوم: تربیت

۱. تعریف تربیت	۱۹
۲. تقسیمات تربیت	۲۸
۳. نظام تربیتی	۳۱
۳-۱. مبانی	۳۲
۳-۲. اهداف	۳۳
۳-۳. اصول	۳۴
۳-۴. روش‌ها	۳۴
۴. علوم تربیتی	۳۵
۴-۱. تعریف	۳۵

۳۶	۴-۲. موضوع علوم تربیتی.....
۳۶	۴-۳. روش تحقیق در علوم تربیتی.....
۳۷	۴-۴. هدف و فایده علوم تربیتی.....
۳۷	۴-۵. تفاوت تربیت و علوم تربیتی.....
۳۷	۵. تربیت و مفاهیم مشابه.....
۳۸	۵-۱. تعلیم.....
۳۹	نسبت تعلیم و تربیت.....
۴۰	۵-۲. تبلیغ.....
۴۰	نسبت تربیت و تبلیغ.....
۴۴	۵-۳. تأدیب.....
۴۶	نسبت تأدیب و تربیت.....
۴۸	۵-۴. اخلاق.....
۵۰	نسبت اخلاق و تربیت.....
۵۲	چکیده فصل دوم.....

فصل سوم: تعامل فقه و تربیت

۵۵	مقدمه.....
۵۵	روابط علوم.....
۵۷	۱. رابطه فقه و تربیت.....
۵۷	۱-۱. نسبت در موضوع.....
۵۸	۱-۲. نسبت در هدف.....
۵۸	۱-۳. نسبت در قلمرو.....
۵۸	۱-۴. نسبت در مسائل.....
۵۹	۱-۵. نسبت در ماهیت علوم.....
۵۹	۲. تأثیر تربیت بر فقه.....
۶۰	۲-۱. گسترش دامنه فقه.....
۶۱	۲-۲. نظام‌سازی تربیتی.....
۶۲	۲-۳. ارائه تحلیل تربیتی از احکام فقهی.....
۶۳	۳. تأثیر فقه بر تربیت.....
۶۳	۳-۱. تأثیر فقه بر مبانی تربیت.....

۶۴	۳-۲. تأثیر فقه بر اهداف تربیت
۶۴	۳-۳. تأثیر فقه بر اصول تربیت
۶۴	۳-۴. تأثیر فقه بر روش‌های تربیت
۶۵	۳-۵. تأثیر فقه بر ارکان تربیت
۶۵	۳-۶. تأثیر فقه بر مراحل تربیت
۶۶	۴. تأثیر علوم تربیتی بر فقه
۶۶	۴-۱. طرح موضوعات جدید
۶۸	۴-۲. تشخیص موضوع
۶۸	۵. تأثیر فقه بر علوم تربیتی
۶۸	۵-۱. جهت‌دهی علوم تربیتی
۶۹	۵-۲. محدودسازی و ضابطه‌مندی
۶۹	۵-۳. طرح روش‌ها و اصول نوین
۶۹	۵-۴. ایجاد مسئله برای تحقیق
۶۹	۶. نتیجه نهائی
۷۰	تکمله
۷۰	تعامل فقه و اخلاق
۷۰	۱. رابطه فقه و اخلاق
۷۲	۱-۱. نسبت در هدف
۷۲	۱-۲. نسبت در روش
۷۳	۱-۳. نسبت در موضوع
۷۷	۲. تأثیر فقه بر اخلاق
۷۸	۳. تأثیر اخلاق بر فقه
۸۰	۴. نتیجه نهائی
۸۱	چکیده فصل سوم

فصل چهارم: فقه تربیتی

۸۳	۱. مفهوم فقه تربیتی
۸۵	۲. جایگاه فقه تربیتی
۸۶	۲-۱. پیشینه دسته‌بندی مباحث فقه
۹۳	۲-۲. جایگاه فقه تربیتی در فقه رایج

۱۰۰	 جایگاه فقه تربیتی در منظومه معارف اسلام
۱۰۰	 مقدمه
۱۰۷	 جایگاه فقه تربیتی
۱۰۷	 گستره فقه تربیتی
۱۰۷	 مقدمه
۱۰۹	 ۳-۱. وظایف مورد انتظار فقه تربیتی
۱۱۲	 ۳-۲. دورنمای مباحث فقه تربیتی
۱۱۴	 چکیده فصل چهارم
۱۱۷	 کتابنامه
۱۲۱	 نمایه موضوعی

پیشگفتار

دفتری که اینک به پیشگاه دانشوران و عالمان فقه و تربیت تقدیم می‌شود، فراهم آمده از درس‌هایی است که از سال ۱۳۷۷ پیرامون فقه تربیتی آغاز شد، و به‌رغم توقف چند ساله، هم‌اکنون نیز ادامه دارد، در فراهم آمدن این نوشتار و تقریر، هم دوستان شرکت‌کننده در جلسه درس و شرکت عالمانه و نقادانه آنان و هم دوستان فاضل تقریرگر و تدوین‌کننده، نقش بارزی داشته‌اند.

مناسب است در مقدمه نیم‌نگاهی به تحولات و تطورات و ادوار کلان حوزه‌های علمی، بیندازیم، از یک نگاه خیلی کلی می‌توان این تحولات را به سه دوره تقسیم کرد:

۱. حوزه‌های علمیة روزگاری از یک بسط معرفتی برخوردار بود و مجموعه متنوعی از معارف خاص اسلامی و بشری در حوزه‌های علمیة مورد بررسی قرار می‌گرفت و تعلیم و تعلم حوزه‌ای دامنہ وسیعی از علوم و معارف اسلامی و بشری را در بر می‌گرفت. البته این مدارس و مراکز علمی که از یک دامنہ و بسط زیادی برخوردار بوده است از لحاظ نوع نگرش و فضای حاکم بر آن و مؤلفه‌های فرهنگی و آموزشی متفاوت بوده‌اند، همان‌طور که میان حوزه‌های شیعه و مدارس اهل تسنن در کشورها و دوره‌های مختلف تفاوت‌هایی وجود داشته است. به عنوان نمونه در بعضی از مدارس و برخی از دوره‌های فلسفه و علوم عقلی بیشتر برجسته شده است و گاهی ریاضیات و علوم طبیعی خیلی برجسته شده و گاهی فقه و حدیث و علوم نقلی. ولی به هر حال همه این علوم در مجموعه حوزه‌های علمیة مطرح بوده است. می‌توان این دوره را دوره بسط اولیه و انبساط نخستین نامید.

۲. دوره دومی که حوزه‌های علمیة چند قرن آن را تجربه کرده است و می‌توان آن را دوره قبض و درهم‌کشیدگی حوزه‌ها نامید، مرحله‌ای است که به دلایل گوناگون تاریخی و به خاطر عوامل درونی و محیطی، به تدریج بسیاری از رشته‌های علمی، چه دانش‌های بشری و احیاناً برخی از علوم دینی، از نظام معرفتی و آموزشی حوزه، جدا شد و نقطه اوج این

مرحله را در قرون اخیر و دوره معاصر شاهد بودیم که با پیشرفت تمدن غربی و با ورود استعمار و رواج دانش‌های تولید شده در آن دیار و با فشارهای وارد آمده بر حوزه‌ها و علما و عقب‌افتادگی‌های فراوان، بسیاری از دانش‌ها از میان حوزه‌ها رخت برپست و مراکز علمی و دانشگاهی جدید جدای از حوزه‌ها شکل گرفت.

۳. دوره سوم که می‌توان بدان اشاره کرد انبساط و گشودگی مجدد حوزه‌ها در دوران معاصر است، محور و کانون این مرحله را می‌توان حوزه قم، به‌ویژه در دوره پس از انقلاب اسلامی، به‌شمار آورد، البته حوزه نجف و برخی از مراکز و چهره‌های برجسته جهان اسلام و تشیع در این تحول و پیشرفت سهم به‌سزایی داشته‌اند.

حوزه قم، گرچه از پیشینه تاریخی ممتد برخوردار بوده است اما در دوره معاصر مجدداً بازسازی و بنیانگذاری شد و تاکنون چهار مرحله را طی کرده است:

اول: مرحله پایه‌گذاری و شکل‌گیری آن توسط مرحوم آیت الله حائری یزدی رحمته‌الله؛

دوم: مرحله تثبیت و استقرار نظامات حوزه در زمان آیت الله بروجردی رحمته‌الله؛

سوم: مرحله گسترش و رشد کمی و کیفی حوزه پس از مرحوم بروجردی به دست مراجع عظام و علمای حوزه و حضرت امام خمینی رحمته‌الله؛

چهارم: مرحله شکوفایی و پیشرفت پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی با نقش‌آفرینی حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری (مدظله) و مراجع بزرگوار و علما و فضیلتی جوان و شکل‌گیری نهادهای جدید در حوزه.

پیروزی انقلاب اسلامی که الهام‌گرفته و برخاسته از حوزه قم بود، متقابلاً تأثیرات وسیعی در حوزه نهاد و در تحولات مدیریتی، آموزشی، فرهنگی، پژوهشی، اجتماعی، معیشتی و...، حوزه بازتاب‌های گسترده‌ای داشته است، البته بررسی جامعه‌شناختی حوزه پس از تأسیس و به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیازمند مجال بیشتری است.

از نگاهی دیگر می‌توان دوره سوم (دوره انبساط نوین) را به چند مرحله تقسیم کرد:

مرحله اول: طرح جدی فلسفه در نظام آموزشی حوزه است. در این مرحله حوزه از انحصاری که برای آن در قلمروهای حدیثی و تفسیری و علوم عقلی به‌تدریج حاصل شده بود، بیرون آمد و شاهد یک گشودگی در طرح فلسفه و علوم عقلی در حوزه بود.

مرحله دوم: در این مرحله اندیشه‌ها و مکاتب فلسفی غرب، مانند اگزیستانسیالیسم و

مارکسیسم، مورد توجه و بررسی قرار گرفت، و تا اندازه‌ای به مباحث اجتماعی و سیاسی و تربیتی اسلام هم با نگاه تطبیقی با اندیشه‌های متناظر غربی و فلسفه‌های مضاف علوم انسانی، پرداخته شد. مرحوم علامه طباطبایی و شهید مطهری را می‌توان محور این مرحله در حوزه قم به شمار آورد.

مرحله سوم: در این مرحله، ضمن بسط و باروری و شرح و تبیین بیشتر اندیشه‌های اسلامی در قلمرو فلسفه و اندیشه اسلامی در عرصه‌های جدید، مسائل جدیدتر کلامی مطرح و حوزه‌های علوم انسانی با نگاهی تخصصی‌تر مورد توجه و مناسبات علوم انسانی و اسلامی مطمح نظر قرار می‌گیرد و اهتمام به فلسفه‌های مضاف با نگاه اسلامی افزایش می‌یابد، در این مرحله نقش اندیشمندانی مانند شهید صدر و استاد مصباح و مؤسسات گوناگون حوزه‌ای و دانشگاهی مانند پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه) و مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قابل توجه است.

مرحله چهارم: در گام چهارم، که اینک حوزه در حال تجربه و ورود به آن است، کوشش به عمل می‌آید که قلمرو فلسفه و کلام به صورت تخصصی‌تر و ریزتر مورد توجه و حوزه علوم انسانی به صورت کاملاً تخصصی مورد عنایت قرار گیرد، در این مرحله در حوزه کلام و فقه با نگاه نو و جدید تحول و بسط اصولی و روشمند و ناظر به نیازهای علوم انسانی پدید آمده است و زمینه تحقیقات جامعه و میدانی برای تولید نظریه و علم انسانی اسلامی فراهم آمده است و پیدایش فقه تربیتی را می‌توان در این جایگاه مورد ارزیابی قرار داد.

از سوی دیگر در خصوص رویارویی حوزه با مباحث تربیت اسلامی و تعلیم و تربیت جدید در ساحت نظری و تئوریک، نیز می‌توان به چند مرحله اشاره کرد:

مرحله اول: پرداختن به تعلیم و تربیت اسلامی با صورت‌بندی جدید و نگاه جدید بدون این‌که کار آکادمیک و تخصصی صورت گیرد. در این مرحله بیشتر بازخوانی اندیشه‌های موجود در میراث گذشته و معارف اسلامی و ارائه آن با صورت‌بندی و شکل نوین، با این پیش‌فرض که این اندیشه‌ها به صورت بالفعل در علوم اسلامی موجود است و تنها باید آنها را تبیین و عرضه کرد. و با این تصور که لازم است با پرسش‌های جدید و یا طبقه‌بندی و تنظیم نوین برای دنیای امروز، عرضه شود؛ تألیفات و آثار فراوانی مانند آثار استاد امینی از کارهای ارزشمندی است که در این طبقه و مرحله اول می‌گنجد.

مرحله دوم: این مرحله در ادامه همان مرحله قبلی است که می‌توان گفت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و مؤسسه در راه حق و مؤسسه باقرالعلوم و مؤسسه امام خمینی، علوم تربیتی به شکل آکادمیک‌تر و منسجم‌تر و با نگاهی تخصصی‌تر در حوزه‌های آموزشی و پژوهشی وارد حوزه می‌شود. در پایه‌ریزی و تثبیت این جریان گروه‌های علوم تربیتی در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مؤسسه امام خمینی علیه السلام و برخی از مراکز و چهره‌های علمی جوان در حوزه و دانشگاه بیشترین نقش را داشته‌اند.

مرحله سوم: مرحله دیگری که باید به سمت آن گام برداشت این است که باید نگاه آکادمیک را تقویت کرد و دانش‌های کلام و فقه و اخلاق در حوزه تربیت و تعلیم سامانی نوین بیابد. و علوم تربیتی اسلامی با همان هویت علمی در پرتو این پایه‌های معرفتی و فکری شکل بگیرد.

در توضیح این دو محور می‌توان افزود که مناسبات معارف اسلامی و علوم تربیتی به دوگونه و رویکرد می‌تواند تصور شود:

رویکرد اول: به این صورت که حوزه علوم اسلامی (کلام، فقه و اخلاق) با پرسش‌ها و موضوعات جدید تربیتی رشد پیدا کند، البته با تأکید بر هویت علوم اسلامی در حوزه تعلیم و تربیت؛ زیرا علوم اسلامی در یک طبقه‌بندی کلی دارای سه بخش کلی است:

اول؛ مباحث توصیفی و نظری اسلام در یک قلمرو که در اصطلاح بدان کلام گفته می‌شود و به دو قسم کلام عام و کلام خاص تقسیم می‌شود. منظور از کلام عام همان کلام سنتی است که البته عرصه‌های جدید هم بر آن افزوده می‌شود و به مسائل کلان توصیفی درباره هستی و جهان با نگاه اسلامی می‌پردازد و کلام خاص همان فلسفه‌های مضاف است مانند فلسفه تربیتی؛ که به نظریات و گزاره‌های توصیفی اسلام در قلمروها و ساحت‌های خاص می‌پردازد.

دوم؛ فقه است که با نگاه استحقاق ثواب و عقاب حکم افعال اختیاری انسان را مشخص می‌کند.

سوم؛ اخلاق که به حوزه صفات روحی و احیاناً رفتارها از منظر حسن و قبح می‌پردازد. همه معارف اسلامی در این طبقه‌بندی سه‌گانه که رایج و متداول است قرار می‌گیرد. در این رویکرد، علوم اسلامی با نگاه به قلمرو علوم تربیتی بسط داده می‌شوند. در واقع روش

و هویت علم اسلامی اعم از کلام و فقه و اخلاق محفوظ می ماند، منتهی در قلمروهای جدید با موضوعات و پرسش های جدید. آنچه که تاکنون هم در حوزه علمیه به آن پرداخته شده در همین فضا است. برای گسترش و تعمیق معارف اسلامی در فضای علوم تربیتی در سه قسمت کلام و احکام و اخلاق می توان به حوزه های زیر اشاره نمود:

حوزه اول: فلسفه تربیتی یا کلام خاص در حوزه تعلیم و تربیت. از این جهت به آن کلام خاص می گوئیم تا ارتباطش با کلام عام و مبانی کلام محفوظ بماند و ترتب منطقی آن روشن باشد و کلام عام در واقع به نگاه های کلام انسان شناسی و هستی شناسی می پردازد و کلام خاص با همان دست مایه ها و بنیادها به گزاره های بنیادی و توصیفی در قلمروهای اجتماعی، فرهنگی، تربیتی و مانند اینها می پردازد.

حوزه دوم: فقه تربیتی است که در واقع باید فقه در قلمرو مسائل تعلیم و تربیت بسط و گسترش پیدا کند و گزاره های تعلیم و تربیتی با نگاه فقهی مورد بررسی قرار می گیرند.

حوزه سوم: اخلاق تربیتی به معنای اخلاق در حوزه تعلیم و تربیت. این سه حوزه پایه و بنیاد نظام تربیتی اسلام است و محورهای بعدی از لوازم یا نتایج اینها است.

حوزه چهارم: مباحث روش شناسی تربیت اسلامی است. باید اصول فقه را به نحوی بسط داد و استنباط اندیشه های فلسفی و کلامی، فقهی و اخلاقی در حوزه تعلیم و تربیت نیازمند روش شناسی است. روش شناسی موجود ما غنی و کارآمد است اما کافی نیست و نیازمند بسط و گسترش است.

حوزه پنجم: نظام تربیت اسلامی است. نظام سازی نگاه کلانی است که سه حوزه نخست را به هم پیوند می دهد و به نظریات کلان می رسد و در ادامه آن نظام های خاص تربیت اسلامی در ساحت های مختلف است.

حوزه ششم: برای دستیابی به این چند حوزه اصلی، تفسیر متون دینی با نگاه تربیتی لازم است. وقتی در حوزه فلسفه تربیتی یا فقه تربیتی وارد شویم باید به قرآن و سنت مراجعه کنیم و از این رو تفسیر تربیتی متون دینی چه قرآن و چه حدیث و سایر متون دینی مانند نهج البلاغه و صحیفه سجاده ضرورت می یابد؛ زیرا بخشی از نکاتی که در قالب تفسیر تربیتی به دست می آید با نگاه های فقهی و فلسفی حاصل نمی شود.

حوزه هفتم: سیره تربیتی است که به تحلیل عملکردهای تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، می‌پردازد.

حوزه هشتم: تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی است که تاریخ حوزه‌های علمیه هم در ذیل این بحث می‌گنجد. در این زمینه‌ها تحقیقات وافی و کار شایسته انجام پذیرفته است.

رویکرد دوم: پرداختن به تولید علم دینی در حوزه علوم تربیتی است. در این رویکرد علوم تربیتی با حفظ هویت علمی آن هویت و چهره اسلامی می‌گیرد.

اما بسی آشکار است که پایه‌های علوم تربیتی اسلامی و تولید نظریه در زمینه تربیت اسلامی بر فلسفه تربیت اسلامی و فقه تربیتی استوار است، هدف از پایه‌ریزی فقه تربیتی تأمین این ضرورت بنیادی و نیز پاسخگویی به مسائل مورد ابتلای جامعه در این قلمرو بوده است.

سلسله مباحث فقه‌التربیه در قالب درس خارج فقه از سال ۱۳۷۷ آغاز شد و مخاطبان و شرکت‌کنندگان آن، طلاب فاضل و ورزیده‌ای بوده‌اند که غالباً در رشته علوم تربیتی تحصیلات آکادمیک و نیز تحقیقات تربیتی داشته‌اند. این درس تا سال ۱۳۷۹ هفته‌ای دو ساعت ارائه می‌شد، سپس توقف سه ساله پدید آمد و مجدداً از سال ۱۳۸۳ آغاز و هم‌اکنون در هفته دو ساعت ادامه دارد. دفتر حاضر جلد اول و حاوی کلیات است، امید است مقبول پیشگاه باری تعالی و ارباب نظر قرار گیرد.